

تأثیر موسیقی بر اخلاق فردی و اجتماعی از منظر امام خمینی (ره)

سیده مرضیه موسوی قهفرخی^۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۰۳

چکیده

موضوع تأثیر موسیقی بر اخلاق فردی و اجتماعی از منظر امام خمینی از جمله موضوعات مهم در حوزه های دینی و اجتماعی می باشد. موسیقی از جمله پدیده هایی است که محصول طبع انسان و از مظاهر هنر انسانی به شما می رود که تأثیر عمیق آن بر انسان ها با هر گرایش و ملیتی روشن است. از آنجایی که امروزه این پدیده در مفهوم مبتدل به کار گرفته شده و باعث تأثیرات منفی بر فرد و جامعه شده است، لذا ضروری بوده به چنین بحثی پرداخته شود، براین اساس هدف در این پژوهش بیان تأثیر موسیقی بر اخلاق فردی و اجتماعی از منظر امام خمینی می باشد. یافته های گردآوری شده حاکی از آن است که گونه های متفاوت موسیقی گاهی روح و روان را تخدیر نموده و اعضاء بدن را به استخدام هوی و هوس می کشاند و بعضی دیگر بالعکس به یکتاپرستی تشویق می نماید. روش گردآوری مطالب به صورت کتابخانه ای می باشد.

کلیدواژگان: اخلاق، غنا، موسیقی، اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی

^۶ دانش پژوه سطح ۲ حوزه علمیه امام جعفر صادق (ع)، www.marziehsadat1401@gmail.com

روح انسان مهم ترین جنبه وجودی انسان است، لذا هر آنچه که بر آن اثر بگذارد می تواند در کمال و سقوطش مؤثر باشد. از این جا اهمیت اثر موسیقی بر روح و اخلاق انسان مشخص می شود. موسیقی همچون هنر برخاسته از لایه های درونی آدمی بلکه یک نیاز روحی است و مانند هر هنری می تواند مبتذل یا مفید باشد.

در گذشته از موسیقی در مجالس طرب و لهو استفاده می کردند که امام خمینی و سایر فقها آن را حرام دانسته اند، لیکن در دنیای امروز، موسیقی از آن خصلت انحصاری طرب انگیز مخصوص مجالس لهو، خارج شده و به صورت علمی با قواعد و اصول مخصوص علم مطرح است. همچنین گستردگی انواع و حالات آن، چه در زمینه علمی محض و چه در حوزه کاربردی، موضوع حکم را از حالت قدیم خارج کرده است. لذا ضروری بوده که به این بحث پرداخته شود.

با پیشرفت جامعه بشری برخی از افراد به رموز موسیقی در مسخ اخلاق امت ها و قدرت آن در انحراف جوامع پی برده و آن را از مسیر تکاملی خود خارج نمودند و همچنان در پی هوا پرستی خود آن را وسیله لهو و لعب خود قرار می دهند و باعث شده که موسیقی در مفهوم مبتذل خود نمودار گردد و از آنجایی که امام خمینی از جمله فقهایی بوده که با این مسئله مواجه شده و فتوا داده، لذا هدف در این مقاله بیان تأثیر موسیقی بر اخلاق فردی و اجتماعی از دیدگاه امام خمینی می باشد.

در رابطه با پیشینه این موضوع چنین می توان گفت که، به سبب رفت و آمد اعراب جاهلی به سرزمین های ایران و روم و به تقلید از آنان، موسیقی در میان اعراب نیز رواج داشت. مضمون آوازهای آن دوران اشعاری درباره عشق و معشوق ها یا جنگاوری و جنگ میان قبایل و طوایف بوده است.

در رابطه با این مسأله نیز کتب و مقالات فراوانی ارائه شده از جمله کتاب «تأثیر موسیقی بر اعصاب و روان» نوشته «حسین عبداللهی خوروش» که مؤلف در آن اهمیت اعصاب و روان و نقش و تأثیر موسیقی در بیماری های روانی و اعصاب را بیان کرده و کتاب «رازهای نهان در موسیقی» نوشته «مهدی آقابابایی» که نویسنده در آن به بیان آثار و عواقب غنا و موسیقی و همچنین دلایل حرمت موسیقی پرداخته و کتاب «موسیقی» نوشته «عزیز الله حیدری» که مؤلف در آن به تبیین احکام مختصر و مفید موسیقی و آثار موسیقی حرام از نظر علم و دانشمندان پرداخته است. در این کتب به بیان احکام موسیقی از دیدگاه های مختلف پرداخته شده لیکن در این مقاله تنها به بیان دیدگاه امام خمینی پرداخته شده است.

با توجه به مقدمه فوق سؤالات تحقیق بدین صورت است که: تأثیر موسیقی بر اخلاق فردی و اجتماعی از دیدگاه امام خمینی را بیان نمایید؟ اقسام موسیقی و آلات آن را از منظر امام خمینی بیان کنید؟ نظرات امام خمینی را در حوزه موسیقی و غنا بیان نمایید؟

اخلاق

«اخلاق» جمع خُلُق است و در لغت «خُلُق» و «خَلَقَ» از یک ماده (خ ل ق) هستند. خُلُق به شکل ظاهری انسان نظر دارد و خُلُق به شکل باطنی و نفسانی انسان. همانگونه که شکل ظاهری انسان، متصف به صفت نیک و بد است، شکل باطنی انسان هم دارای اوصاف خوب و بد است. (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ۱۴۱۲ق: ج ۲، ص ۱۵۹).

«اخلاق» در اصطلاح، عبارت است از «آن سلسله صفاتی که در نفس و روح انسان ثابت و ریشه دار است و منشأ صدور اعمال نیک، همچون راستگویی، انفاق، ایثار و جهاد و یا اعمال بد همچون دروغگویی می شود.» (محمدی گیلانی، درس‌های اخلاق اسلامی، ۱۳۷۴: ص ۲۳).

غناء

«غنا» در لغت به معنای «بی نیازی و آواز خواندن» است. (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ۱۴۱۲ق: ج ۲، ص ۳۳۶).

در اصطلاح فقهاء عبارت است از «کشیدن صدا و آواز، با دو شرط: یکی این که دارای رفت و برگشت و گردانیدن آواز در حلق باشد و دیگری طرب آور باشد، یعنی در انسان حالت خفت و سبکی خاصی به وجود آورد که باعث شدت حزن و یا خوشحالی زیاد می شود و بعضی ها قید لهوی بودن را هم اضافه نموده‌اند» (انصاری، مکاسب محرمة، ۱۳۷۵ش: ج ۱، ص ۲۹۱).

موسیقی

«موسیقی» در لغت عبارت است از «علم تألیف لحن، فن تألیف الحان، علم ادوار، علم نغمات، یعنی علمی است که بدان احوال نغمات و ازمنه آن توان دانست.» (دهخدا، لغت نامه دهخدا، ۱۳۶۵ش: ج ۷، ص ۱۱۶۵). در اصطلاح عبارت است از «ترکیب صدا و آواز همراه با نوعی ترکیب و تناسب با هدف لذت آفرینی، خیال پردازی، ایجاد هیجان و تحریک در مخاطب» (ضیائی، ساز و آواز، ۱۴۰۰ش: ص ۵).

۲- ارتباط موسیقی و اخلاق

قبل از تبیین هر گونه ارتباطی بین موسیقی و اخلاق لازم است ماهیت آن دو را از زاویه ای مشخص بازشناسیم. این شناخت از آن جهت دارای اهمیت است که بین ماهیت هر دو پدیده ای که به هر نحوی پیوندی برقرار می شود، می بایست سختی وجود داشته باشد. بنابراین ابتدا لازم است ماهیت موسیقی و اخلاق به درستی تبیین شود، سپس با توجه به میزان سختی موجود، چگونگی تأثیر و تأثر آن دو نسبت به یکدیگر واکاوی گردد.

ماهیت موسیقی

موسیقی در زبان علمی، تعاریفی مشخص و البته متنوعی دارد. صرفنظر از تنوع و تعدد در تعاریف موجود که گاه جامع و مانع هم نیستند می توان موسیقی را به صورت خلاصه، هنر بیان عواطف و احساسات آدمی از طریق صداها خواند. براساس نظر حکما، منشأ پیدایش الحان موسیقی، فطرت های غریزی در انسان است، مانند قریحه شعری که غریزی انسان است (کمال پور، تئوری موسیقی، ۱۳۹۰ش: ص ۱۷).

نوع ادراک موسیقی در دو سطح صورت می گیرد، ابتدا ادراک حسی سامعه و سپس در پی آن، ادراک حضوری انفعالات عاطفی حاصل شده در نفس. البته پس از این ادراک حضوری، نفس انسان، صورت هایی از انفعالات عاطفی نفس را تصور می کند که همگی جنسی از «وهم» دارند. بعد حسی و وهمی موسیقی از سنخ ادراکات حصولی است و بعد عاطفی آن از سنخ ادراکات حضوری. (شیرازی، العرشیه، ۱۳۸۸ش: ج ۳، ص ۳۶۰) البته این بعد حضوری کاملاً بر بعد حسی سیطره دارد؛ به گونه ای که غالباً ادراک موسیقی را بدون در نظر گرفتن ادراک حسی، ادراکی عاطفی و حضوری می دانند. بنابراین می توانیم با اندکی مسامحه و بدون در نظر گرفتن بعد حسی این ادراک، بگوییم ادراک موسیقی از نوع ادراکات حضوری البته از نوع جزئی آن است و ویژگی های علم حضوری از جمله خطاناپذیر بودن و غیره را دارد (شیرازی، العرشیه، ۱۳۸۸ش: ج ۳، ص ۱۸۵).

موسیقی به لحاظ ذاتی، اثری جز برانگیختن عواطف ندارد و مخاطب اصلی موسیقی نیز عاطفه انسانی است. بنابراین بیشترین کارکرد آن می تواند تقویت و پرورش عواطف و احساسات آدمی باشد. از این رو افراط در مؤانست با نغمه های موسیقی ممکن است رفته رفته سبب چیرگی عواطف و احساسات بر قوه عاقله فرد گردد (شیرازی، العرشیه، ۱۳۸۸ش: ج ۳، ص ۱۸۵).

زبان موسیقی نیز به لحاظ ذاتی این بلندا را ندارد که مفاهیمی کلی مطرح سازد تا با عقل و مراتب فوق عقل انسان مخاطب کند، زیرا هر نوا و لحنی که از درون نهاد آدمی برمی خیزد، دارای محتوایی عاطفی و خاص بوده، حکایت از جهتی خاص از احساسات عاطفی او دارد، نه ادراکات کلی عقلی او. اگر چه ممکن است این احساسات آدمی، باز نمود و بازتاب ادراکات عقلی و فوق عقلی او نیز باشد که البته این موضوع به لحاظ معرفت شناختی، تفاوتی در جنس احساسات و عواطف او ایجاد نمی کند و تفاوت در اینجا صرفاً به لحاظ منشأ این

احساسات است؛ خواه این منشأ عقلی باشد یا وهمی یا خیالی و یا حسی. نوای موسیقی صرفاً بازگوی عواطف آدمی است و سبب انفعال نفس انسان و برانگیختن احساسات عاطفی او در دیگران می‌شود و در پی این برانگیختگی عواطف، صورت‌های «وهمی» عاطفی در نفس انسان پدید می‌آید (شایسته، تبیین مبانی فلسفی و کلامی موسیقی در گستره حکمت اسلامی، ۱۳۹۱ش: ص ۹۸).

از آنجا که بین قوه واهمه و قوه خیال انسان، ارتباطی تنگاتنگ برقرار است، در پی استماع هر قطعه موسیقی، علاوه بر برانگیختگی عواطف همگون، طائر خیال او نیز آسمان تخیلات او را درنوردیده، صورت‌های خیالی متناسب با آن احساسات را در نفس منطبق می‌سازد. از آن سو، بن‌مایه اصلی شکل‌گیری ساختار موسیقی، جنس احساسات و نوع خیالات آدمی است؛ به این معنا که ساختار و محتوای موسیقی کاملاً هم‌جهت و هم‌سو با عواطف و خیالات کسی است که آن قطعه موسیقی را تولید می‌کند (همان: ص ۱۳۹).

بنابراین فرم و محتوای موسیقی با اوضاع و احوال نفسانی پردازشگر آن به نحوی محسوس دارای ارتباط تأثیر و تأثیری دو سویه هستند؛ یعنی هم‌نوع عواطف و احساسات او تأثیر مستقیمی در شکل‌گیری فرم و محتوای موسیقی دارد و هم موسیقی، عواطف و احساسات آدمی را جهت می‌بخشد (حیدری، موسیقی، ۱۳۸۷ش: ص ۱۴۵).

ماهیت اخلاق

دانش اخلاق در نگاه فلاسفه اخلاق از یک نظر کلی به دو قسم اخلاق دینی و اخلاق غیردینی تقسیم می‌شود. منظور از اخلاق غیردینی در اینجا، اخلاق معارض با دین نیست؛ بلکه منظور آن قسم از دانایی‌های اخلاقی است که مبانی و اصول آن صرفاً با توجه به ذاتی یا غیر ذاتی بودن ارزش افعال و بواسطه عقل عملی برگرفته شده باشد. آغازگران این نظام اخلاقی، حکمایی همچون سقراط، افلاطون و ارسطو بودند که برای اولین بار از حکمت عملی سخن گفتند، اما اخلاق دینی آن است که مبانی و گزاره‌های آن، مبتنی بر آموزه‌های وحیانی بوده، سرچشمه آن منابع دینی باشد (مصباح، بنیاد اخلاق، ۱۳۹۴ش: ص ۲۸۶).

در دانش اخلاق اسلامی، نفس انسانی دارای مراتب بی‌شمار، اما بالقوه ای است که فعلیت یافتن قابلیت‌های آن منوط به چگونگی عملکرد قوای انسان است. حکما در آثار خود، نفس انسانی را دارای دو دسته از قوای دانسته‌اند: قوای علمی و قوای عملی. قوای علمی، قوای چهارگانه ادراکی انسان هستند که ابزار کسب معارف در سطوح مختلف علمی برای او به شمار می‌آیند؛ یعنی حاسه، مخیله، واهمه و عاقله. قوای عملی نفس انسان نیز قوایی هستند که جهت‌گیری او را در نوع اعمالی که انجام می‌دهد، رقم می‌زنند (همان: ص ۲۸۶).

چنانکه اخوان الصفا گفته اند: «اخلاق به طور کلی بر دو نوع است: یکی آنکه در طبع و سریره انسان نهاده شده است و دیگری آنکه انسان آن را در اثر کثرت استعمال عادات کسب می نماید» (الصفا، رسائل اخوان الصفا و خلان الوفاء، ۱۴۱۲ق: ج ۱، ص ۳۱۰).

بنابراین اخلاق نوع اول، ریشه در شاکله جسمی انسان دارد و اختیار او چندان در آن دخیل نیست؛ اما اخلاق نوع دوم، اکتسابی و تابع اختیار و اراده انسان است (همان، ص ۴۴).

۳- فقه پویای امام خمینی و مسئله موسیقی

امام خمینی با دردست گرفتن پرچم حکومت اسلامی و با مواجه شدن با مسائل متعدد اجتماعی، فردی، سیاسی و اقتصادی، رویکرد تازه ای را اتخاذ کرد. رویکردی که پویا و پاسخ گو به تمام مسائل خرد و کلان جامعه باشد. خود ایشان در این باره تأکید کرده اند: «زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند. مسئله ای که در قدیم دارای حکمی بوده است به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند» (موسوی خمینی، صحیفه امام، ۱۳۶۹ش: ج ۲۱، ص ۲۸۹). لذا بعد از انقلاب، امام در عرصه حکومت داری و با توجه به اقتضائات زمان و مکان نظرات خود را در باب موسیقی تعدیل کرد. ایشان معتقد بود که در آن شرایط زمانی و مکانی برخی از موسیقی ها می تواند فایده هم داشته باشد و براین اساس نمی توان موسیقی را ذاتاً حرام دانست (جباران، موسیقی و غنا در آینه فقه، ۱۳۷۸ش: ص ۷۱).

امام خمینی به تدریج سرودهایی را که محتوای انقلابی داشت، تأیید و پخش آن ها را از صدا و سیما بلااشکال دانست. یکی از این سرودها سرودی بود که به مناسبت شهادت مطهری اجرا شد. نام این سرود «ای شهید مجاهد مطهر» بود، مهرداد کاظمی یکی از موسیقی دانان اوایل انقلاب می گوید: «این سرود باعث واکنش امام خمینی درباره موسیقی شد؛ وی تأیید امام از این موسیقی را عامل باز شدن راه موسیقی بعد از انقلاب می داند. به گفته وی با اجرای این سرود به یک باره نگاه ها به موسیقی تغییر کرد» (همان).

۴- اقسام موسیقی و آلات آن از منظر امام خمینی

موسیقی به دو قسم مطرب و غیر مطرب تقسیم می شود که در ذیل به تبیین آن می پردازیم لیکن پیش از آن باید به اقسام آلات موسیقی پردازیم:

آلات موسیقی

آلات مختص: به آلاتی از موسیقی گفته می‌شود که نوعاً در لهو و لعب به کار می‌روند و نمی‌توان از این آلات استفاده حلالی کرد بلکه استفاده از آن‌ها به هیچ وجه جایز نیست (ایرانی، هشت گفتار پیرامون حقیقت موسیقی غنایی، ۱۳۷۶ش: ص ۱۲۵).

آلات مشترک: به آلاتی از موسیقی گفته می‌شود که هم می‌توان از این آلات استفاده حلال و مشروع کرد و هم استفاده حرام و نامشروع، بیشتر مراجع تقلید استفاده از آلات مشترک را به طور مطلق حرام نکرده‌اند بلکه بر اساس کیفیت نواختن آن فتوی داده‌اند (همان).

اما در مورد تعیین آلات مشترک و مختص برخی از مراجع معتقدند که تشخیص این موضوع با خود مکلف است و نظر دیگر این است که باید بررسی شود که استفاده غالب از فلان آلت موسیقی در عرف، استفاده حرام است یا حلال، یعنی مثلاً بیشتر برای نواختن آهنگ لهوری از آن استفاده می‌شود یا خیر (آقا بابایی، جوان و موسیقی، ۱۳۹۱ش: ص ۳۲).

اقسام موسیقی

۱- موسیقی مطرب و لهوری (مناسب مجالس گناه و خوش گذرانی است) ۲- موسیقی غیر مطرب و لهوری. قسم اول حرام می‌باشد و در نتیجه، آموزش آن در مراکز مختلف جایز نمی‌باشد، قسم دوم حلال است و اشکالی ندارد و یاددادن و فراگیری آن نیز جایز می‌باشد. اگر برای فردی مشکوک باشد که این موسیقی جزو قسم اول است یا دوم، طبق نظر امام خمینی گوش دادن به آن جایز است؛ اما شرکت در مجالسی که موسیقی حرام در آن به کار می‌رود، چنانچه حضور فرد باعث استماع موسیقی حرام شود یا تأیید گناه محسوب گردد و شرایط نهبی از منکر مهیا نباشد، باید مجلس را ترک کند، مگر آنکه باعث فتنه یا فساد شود (موسوی خمینی، استفتائات امام خمینی، ۱۳۶۹ش: ج ۲، ص ۱).

فتوای امام خمینی در باب حکم استفاده از ابزار آلات موسیقی

در نوزدهم شهریور ماه سال ۱۳۶۷ استفتائی از امام خمینی در باب آلات موسیقی و شطرنج شد که ایشان در باب موسیقی پاسخ دادند که «خرید و فروش آلات مشترک به قصد منافع محله آن اشکال ندارد». بعد از انتشار این پاسخ آیت‌الله قدیری از شاگردان امام خمینی طی نامه‌ای از ایشان در این باره سؤال پرسید و با استناد به برخی روایات در باب این فتوای امام خمینی مناقشه نمودند. امام خمینی در پاسخ خود به نقش اقتضائات زمان و مکان در فرایند اجتهادات و استخراج احکام، اشاره کردند و از نگرش تقلیل‌گرایانه قشری از روحانیت به احکام اسلامی و

بی توجهی به اقتضائات زمان و مکان در فتوهای فقهی گلابه نمودند (موسوی خمینی، صحیفه امام، ۱۳۸۹ش: ج ۲۱، ص ۱۴).

امام خمینی در زمانی این فتوا را صادر کرد که از نظر بسیاری از مراجع به طور کلی استفاده و خرید و فروش آلات موسیقی حرام بود، اما ایشان تشخیص دادند که با توجه به تغییر عرف مردم، موسیقی و ابزار آلات آن می‌تواند در خدمت منافع حلالی نیز قرار گیرد. ایشان دیگر فقط با رویکرد نظری به این مسئله نگاه نمی‌کردند، بلکه این بار در عرصه حکومت‌داری این نیاز را تشخیص دادند؛ زیرا در این عرصه، سیل عظیم موضوعات و مسائل جدید مطرح بود که می‌بایست با نگاهی جامع و همه‌جانبه نگر حل و فصل شوند تا شائبه ضعف دین مبین اسلام در برخورد با مسائل جدید نیز رفع گردد (همان).

۵- نظرات امام خمینی در حوزه موسیقی و غنا

در حوزه موسیقی و غنا نظرات مختلفی گفته شده که در این مقاله تنها به نظر امام خمینی می‌پردازیم:

ملاک تشخیص موسیقی حلال از حرام

این امر که چگونه می‌توان دریافت که کدام موسیقی طرب‌انگیز است و کدام نیست؟ و چه موسیقی مناسب مجالس لهو است و کدام مناسب مجالس لهو نیست؟ از مباحثی است که حضرت امام به آن پرداخته و حکم آن را مشخص نموده است. ملاک تشخیص موسیقی حلال از حرام از نظر فقها متفاوت است. برخی تشخیص موسیقی حرام را برعهده فرد مکلف گذاشته‌اند که در این صورت امری شخصی و فردی محسوب می‌شود، برخی نیز تشخیص را برعهده عرف گذاشته‌اند (مشکوه، تأملی در فقه موسیقی، ۱۳۸۳ش: ص ۱۷۶).

با توجه به رساله استفتائات امام خمینی قاعده کلی که ایشان در سال‌های بعد از انقلاب مطرح کرده بودند، از این قرار است: «شنیدن و نواختن موسیقی مطرب حرام است و صداهای مشکوک مانع ندارد و تشخیص با عرف است. به این معنا که موسیقی که در میان عموم مردم به عنوان موسیقی مطرب شناخته می‌شود، حرام است» (موسوی خمینی، استفتائات، ۱۳۶۹ش: ج ۲، ص ۱۴).

حکم شنیدن صدای زن

امام خمینی نظر خود را در ارتباط با تک‌خوانی زنان نیز بیان کرده‌اند. از ایشان سؤال شد که حکم تک‌خوانی بانوان اعم از صوت قرآن و سرود در معرض نامحرم چیست؟ ایشان پاسخ دادند که «حکم دایر مدار وجود مفسده و عدم آن است. به این معنا که اگر موجب گناه و حرام شود، جایز نیست» (همان، ص ۲۷۳). در باب

جمع خوانی زنان (گروهی) در مقابل آقایان پاسخ دادند که «با مراعات حجاب مانع ندارد، مگر آن که مفسده داشته باشد» (همان).

۶- تأثیر موسیقی بر اخلاق فردی و اجتماعی از دیدگاه امام خمینی

استعمارگران جهان همیشه از بیداری مردم مخصوصاً نسل جوان، وحشت داشته اند؛ به همین دلیل بخشی از برنامه های گسترده آنها برای ادامه استعمار، فرو بردن جامعه ها در غفلت، بی خبری، ناآگاهی و گسترش انواع سرگرمی های ناسالم است.

ایجاد مراکز فحشاء، کلوب های قمار و همچنین سرگرمی های ناسالم دیگر و از جمله توسعه غنا و موسیقی، یکی از مهم ترین ابزار است که آنها برای تخدیر افکار مردم بر آن اصرار دارند و به همین دلیل قسمت عمده وقت رادیوهای جهان را موسیقی تشکیل می دهد و از برنامه عمده وسایل ارتباط جمعی همین موضوع است.

تأثیر موسیقی بر اخلاق فردی

موسیقی اثرات فردی فراوانی را در زندگی فرد برجای می گذارد از جمله:

گرایش به فساد

غنا و آواز مطرب و لهوی، انسان را به سوی شهوت و فساد اخلاقی می کشاند و از راه پرهیزکاری باز می دارد. مجالس غنا و موسیقی، معمولاً جزو مراکز مفساد گوناگون است و این خود دلیل روشنی است بر این که موسیقی در گرایش به فساد نقش مؤثری دارد. (آقا بابایی، رازهای نهان در موسیقی، ۱۳۹۱:ص ۱۸۷) در حدیثی از نبی اکرم (صلی الله علیه وآله) آمده است: «الغناء رقیة الزنا» «غنا نردبان زنا است». (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳ق: ج ۷۹، ص ۲۴۷)

قساوت قلب

یکی از اثرات شوم موسیقی بر روان انسان ها پدید آوردن بیماری قساوت قلب در انسان می باشد. و مؤید این کلام، سفارش رسول خدا (صلی الله علیه وآله) به حضرت علی (علیه السلام) می باشد که به ایشان فرموده اند: «یا علی؛ سه کار دل را سخت کند: گوش دادن به آواز و موسیقی و شکار و به دربار سلاطین رفتن» (فیض مشکینی، نصائح، ۱۳۷۸ش: ص ۱۳۴). افرادی که مداومت بر گوش دادن به موسیقی و مطربی دارند قلبشان مریض می گردد.

و نتیجه این سختی و قساوت قلب این می شود که دیگر موعظه و پند در این قلوب اثر نمی کند. زیرا طبق آیات قرآنی از آثار گناهکاری، قساوت قلب است (آقا بابایی، رازهای نهان در موسیقی، ۱۳۹۱ش:ص ۲۴۳).

خداوند متعال در قرآن می فرماید: «ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنْ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنْ مِنْهَا لَمَا يَشَقُّ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنْ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ»؛ «قلوب افراد گناهکار مانند سنگ است یا سخت تر از سنگ، زیرا برخی از سنگ ها از میانشان آب بیرون می آید یا از ترس خدا از بلندی ها فرو می افتند.» (بقره (۲): ۷۴)

امام خمینی در این باره می فرماید: «قلوب افراد گناهکار به قدری سخت است که دیگر چیزی از پندها و موعظه های الهی در آن اثر نمی نماید. نشانه و علامت این بیماری آن است که این گونه افراد وقتی در مجلسی قرار می گیرند که در آن سخن از خدا و قرآن و یاد مرگ و آخرت است، حالشان بد می شود و دوست دارند زود از این گونه مجالس خارج شوند و بر عکس اگر در جایی باشند که سخن از دنیا و سرگرمی های گمراه کننده باشد، به اشتیاق بر آن توجه می کنند و دوست ندارند که تمام شود» (بیستونی، موسیقی از دیدگاه قرآن و حدیث، ۱۳۷۸ش: ص ۲۴۱).

افسردگی

کسی که در موسیقی غوطه ور شد، حالت خمودی و افسردگی، یکی از حالاتی است که بر او عارض می شود. این مسئله در کسانی که با مطالعه و درس و بحث سروکار دارند بیشتر نمود دارد. به گونه ای که بعد از موسیقی رغبت آنها نسبت به مطالعه کمتر شده و نیروی فکر آنها ضعیف می شود. بنابه نظر امام خمینی برخی دانش آموزان می خواهند با توجه به رادیو درس خود را یاد بگیرند و در راه تحصیل پیشرفت کنند، باید گفت رادیو نیز مانند سینما و موسیقی کاهلی کاملی می بخشد به کسانی که به آن سرگرمند (عبداللهی خوروش، تأثیر موسیقی بر اعصاب و روان، ۱۳۸۶ش: ص ۶۲).

ضعف اعصاب

از بین رفتن تعادل بدن که منوط به مختل شدن تعادل و توازن بین دو سیستم اعصاب سمپاتیک و پاراسمپاتیک است منجر به پدید آمدن ضعف اعصاب می شود. دکتر «آرنولد فریدمانی» پزشک بیمارستان نیویورک و رئیس کلینیک سردرد، با کمک دستگاه های الکترونی تعیین امواج مغز و تجربیاتی که بدست آورده ثابت کرده که یکی از عوامل مهم خستگی های روحی و فکری و سردردهای عصبی، گوش دادن به موسیقی

رادیو است، مخصوصاً برای کسانی که به موسیقی آن دقت و توجه می‌کنند (طاهری، سلامتی و طول عمر در احکام اسلام، ۱۳۸۶ش: ص ۸۲).

صدای موسیقی، هر قدر هم که ضعیف باشد، آشفته‌گی فوق‌العاده شدیدی در کار مغز ایجاد می‌کند، صدای ملایم موسیقی حتی در موقع خواب دشمن سلامت است. خطرناک‌ترین و بدترین عذاب برای کسی که به خواب رفته است، صدای آهسته موسیقی در حال پخش است (جعفری، موسیقی از دیدگاه فلسفی و روانی، ۱۳۸۵ش: ص ۷۳).

عمر کوتاه

گفته می‌شود عمر متوسط انسان، حدود ۱۲۰ سال می‌باشد ولی علل و عوامل مختلفی در کاهش یا افزایش این مقدار مؤثر است. عواملی چون تغذیه، تفریح، خنده، گناه و... امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «بیتُ الغنا لا تؤمنُ فیهِ الفجیعه و لا تُجابُ فیهِ الدعوه و لا یدخلهُ الملکُ» «خانه‌ای که در آن غنا باشد، از مرگ و مصیبت دردناک ایمن نیست و دعا در آن به اجابت نمی‌رسد و فرشتگان وارد آن نمی‌شوند.» (کلینی، کافی، ۱۳۸۴ش: ج ۶، ص ۴۳۳)

طبق یافته‌های دانشمندان نیز از جمله عوامل کاهش طول عمر انسان، سر و صداها و صدای موسیقی می‌باشد به طوری که اکثر موسیقی‌دان‌ها به نصف عمر طبیعی هم نرسیده‌اند و بعضاً با عوارض و مرگ ناگهانی از دنیا رفته‌اند، حتی در قرون قبل هم که مردم از این آلودگی‌ها به دور بوده و دارای عمرهای طولانی بوده‌اند، کارگزاران موسیقی از عمر طبیعی محروم بوده‌اند (خالقی، نظری به موسیقی، ۱۳۹۰ش: ص ۷۶).

گرایش به مواد مخدر

بسیاری از موسیقی‌دانان به علت عارض شدن ضعف اعصاب گرایش به مواد مخدر پیدا کرده تا شاید درمانی برای این بیماری پیدا کنند. مواد مخدر در نگاه اول مسکن خوبی برای اعصاب و روان است لذا غافل از مضرات زیاد آن، به آن روی آورده و در دام آن گرفتار می‌آیند که البته خود مواد مخدر نیز در کاهش قوه بینایی نقش دارد و مضرات مواد مخدر، خود فصل جداگانه‌ای می‌طلبد که از گنجایش بحث خارج است (عبداللهی خوروش، تأثیر موسیقی بر اعصاب و روان، ۱۳۸۶ش: ص ۳۲).

ضعف چشم

از جمله حساس‌ترین اعضای بدن چشم‌ها و گوش‌ها هستند. حرکت چشم‌ها توسط اعصاب سمپاتیک و پاراسمپاتیک انجام می‌شود، که بوسیله ارتعاشات موسیقی تعادل این سیستم به هم می‌ریزد و موجب ضعف

اعصاب می‌شود، ادامه این عملکرد موجب تاثیرات عمیق در این اعضای حسّاس و در نتیجه باعث ضعف چشم و حتی کوری می‌شود (همان، ص ۱۳۲).

فشار خون

یکی دیگر از عوارض موسیقی پیدایش بیماری فشار خون است که البته این هم عوامل مختلفی دارد و موسیقی یکی از آن عوامل است. این مسئله را پزشکان با بررسی‌های خود دریافته‌اند و به کسانی که با موسیقی و سر و صدای زیاد در ارتباط‌اند در مورد عوارض آن هشدار داده‌اند. دکتر «گورلدواین» پس از مطالعات زیاد به این نتیجه رسید که رادیو، علت اساسی فشارخون به شمار می‌رود و برای اطمینان از این موضوع بازوبند فشار خون را به خود بست و این نتیجه بدست آمد که هر قدر انسان از یک قطعه موسیقی بدش بیاید همان اندازه فشار خون او بالا می‌رود (جعفری، موسیقی از دیدگاه فلسفی و روانی، ۱۳۸۵ش: ص ۱۵۴).

از همه مهم‌تر مشاهده حالات روانی خود موسیقی‌دانان است که بزرگ‌ترین نمایش تجربیات و آزمایش‌های علمی و عملی است که زیان موسیقی را در این قسمت برای ما تشریح می‌کند، زیرا آنها به تدریج، گرفتار اختلالات عصبی و حسّاسیت‌های بی‌جا شده و در نتیجه، اغلب دچار انقباض عروق و فشارخون و سکنه‌های مغزی گردیده و حتی بعضی‌ها در هنگام نواختن موسیقی، فشار خون آنها بالا رفته و در اثر سکنه ناگهانی جان خود را فدای تحریکات و ارتعاشات موسیقی کرده‌اند (جعفری، موسیقی از دیدگاه فلسفی و روانی، ۱۳۸۵ش: ص ۱۸۷).

تأثیر موسیقی بر اخلاق اجتماعی

موسیقی و آهنگ‌های مصنوعی علاوه بر زیان‌های جبران‌ناپذیر روحی و روانی، زیان‌های ویران‌کننده اجتماعی نیز دارد که جامعه را از هم پاشیده به فساد و فحشا و امثال آن سوق می‌دهد.

رواج فحشاء و زنا

امام خمینی در این باب می‌گوید: «از غناء و موسیقی حرام که باعث لهو می‌شود، دوری کنید زیرا موسیقی حیاء را از بین می‌برد و سبب زیاد شدن غریزه جنسی می‌شود، مردانگی را نابود می‌سازد و هر کاری که شراب می‌کند موسیقی هم انجام می‌دهد و اگر مبتلا به موسیقی شدید از زنان پرهیزید برای آن که موسیقی و غناء انسان را به زنا می‌کشاند» (ضیائی، ساز و آواز، ۱۴۰۰ش: ص ۶۵).

موسیقی با ازدیاد نیروی هوس رانی و شهوت و تحریک و تقویت غریزه جنسی بازار زنا و فحشا را گسترش می‌دهد و به دنبال آن بیماری‌های خطرناکی چون سفلیس، سوزاک، شانکر، خودارضائی و ایدز پدید می‌آید (ضیائی، ساز و آواز، ۱۴۰۰ش: ص ۷۶).

به گفته امام خمینی «خواندن قرآن با صدای دلنشین انسان را به فکر وادامی‌دارد، به خودشناسی که مقدمه خداشناسی است دعوت می‌کند، ولی ترانه آدمی را غرق در دریایی از هوس و آلودگی می‌سازد» (همان، ص ۸۲).

از دست دادن شخصیت

کسی که برای خود ارزش و کرامت قائل است دور گناه نمی‌رود. علی (علیه السلام) فرمود: «کسی که برای خود ارزش قائل است به راحتی بر شهوتش مسلط می‌شود.» (عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۱۲ق: ج ۱۲، ص ۵۰۹)

برعکس کسی که برای خود ارزش و شخصیت قائل نباشد دست به هر گناه و جنایتی می‌زند. یکی از زیان‌های موسیقی مبتذل سلب اراده و از دست دادن شخصیت و کرامت است. (ضیائی، ساز و آواز، ۱۴۰۰ش: ص ۱۳۴)

امام خمینی می‌گوید: «بسیار دیده شده که مستمعان موسیقی همراه با نواهای موسیقی بی‌اراده و بی‌اختیار به حرکت در می‌آیند و با تکان دادن دست و پا و اندام به رقص می‌پردازند و بی‌اختیار عامل شکسته شدن شخصیت خویش شده و کرامت و حرمت خویش را از دست می‌دهند» (ضیائی، ساز و آواز، ۱۴۰۰ش: ص ۱۳۷).

از دست دادن غیرت

به نظر امام خمینی موسیقی بتدریج حس ناموس دوستی و غیرت را در انسان ریشه کن می‌کند، زیرا موسیقی چنان تصرفاتی در عقل و اندیشه و اخلاق می‌نماید که انسان حاضر می‌شود لحظه عیش و نوش و رقصیدن را بر حفظ ناموسش ترجیح می‌دهد این حقیقت در مجالس‌های مختلف و رقص‌های دسته‌جمعی و شب‌نشینی‌های آن چنانی به خوبی خود را نشان داده است (همان، ص ۱۷۴).

جنایت و خودکشی

آمار خودکشی و دیگرکشی به شدت در جهان افزایش یافته و هر روز خبرهای وحشتناکی در این زمینه منتشر می‌شود، یکی از عوامل این جنایت موسیقی و ترانه‌های مبتذل است. شاهد زنده آن خودکشی افراد زیادی از موسیقی‌دانان از جمله شومان موسیقی‌دان معروف است که خود را به رودخانه راین انداخت و با این عمل در حقیقت علیه انسانیت قیام کرد (ضیائی، ساز و آواز، ۱۴۰۰ش: ص ۳۵). همین‌طور خودکشی دسته‌جمعی کسانی که بعد از گوش دادن به ترانه‌های مبتذل و موسیقی دست به این کار زده‌اند و همین‌طور جنایت دیگر

کشی از آثار زیانبار دیگر این عامل فساد یعنی موسیقی است که جامعه بشری را به خطر انداخته است (همان، ص ۳۹).

نتیجه گیری

مسئله تاثیر موسیقی بر اخلاق فردی و اجتماعی از جمله موضوعات مهم و مورد بحث در حوزه های دینی و اجتماعی است. موسیقی پدیده ای است که تاثیر آن بر انسان امری فطری است، کشش انسان به صدا و آهنگ دلنشین ناشی از تمایل انسان به حس زیبایی دوستی اوست که از فطرتش سرچشمه می گیرد. خداوند متعال این حس را برای پرورش حس کمال طلبی و تکامل بنی بشر در او قرار داده است.

امروزه با پیشرفت صنعت و فن آوری و تحولات زمانی و مکانی، موسیقی تا اندازه ای جایگاه واقعی و طبیعی خود را باز شناخته و نقش های اجتماعی، حماسی و فرهنگی جدیدی پیدا کرده و توانسته تعالی بخش و پیام رسان یک تحول دینی و انسانی باشد و در جهت اهداف متعالی به کار گرفته شود. لیکن از آنجایی که برخی افراد همانند گذشتگان از این پدیده در مجالس لهو و لعب استفاده می کنند، ضروری بوده به این بحث پرداخته شود. باتوجه به اینکه امروزه موسیقی به شکل های گوناگون به کار رفته و اعصاب و روان و حتی از نظر جسمی افراد را تحت تاثیر خود قرار داده، لذا هدف بیان تاثیر موسیقی در اخلاق فردی و اجتماعی از دیدگاه امام خمینی بوده است.

حاصل آنکه موسیقی امروزه نیز در بعضی جاها به عنوان وسیله ای برای لعب و لهو استفاده می شود که آثار فردی و اجتماعی فراوانی از جمله زنا، عمر کوتاه، ضعف اعصاب را به دنبال دارد لذا از دیدگاه امام خمینی موسیقی اگر باعث چنین چیزی شود حرام است.

به نظر می رسد که موسیقی نباید عامل تحذیر باشد و انسان را به خلسه فرو ببرد و او را از انجام کارهای اساسی بازدارد چرا که در این صورت حرام است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. آقا بابایی، مهدی، «جوان و موسیقی»، چ ۲، مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، اصفهان، ۱۳۹۱ ش.
۳. _____، «رازهای نهان در موسیقی»، چ ۲، مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، اصفهان، ۱۳۹۱ ش.
۴. اصفهانی، حسین بن محمد، «المفردات فی غریب القرآن»، ج ۲، چ ۳، دارالشمیه، بیروت، ۱۴۰۱۲ ق.
۵. الصفا، اخوان، «رسائل اخوان الصفا و خلان الوفاء»، ج ۱، چ ۱، دار الاسلامیه، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۶. انصاری، مرتضی، «مکاسب محرمه»، ج ۱، چ ۱، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۷. ایرانی، اکبر، «هشت گفتار پیرامون حقیقت موسیقی غنایی»، چ ۳، حوزه هنری، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۸. بیستونی، مهدی، «موسیقی از دیدگاه قرآن و حدیث»، چ ۱، بیان جوان، قم، ۱۳۸۵ ش.
۹. جباران، محمدرضا، «موسیقی و غنا در آینه فقه»، چ ۱، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، تهران، ۱۳۷۸ ش.
۱۰. جعفری، محمد تقی، «موسیقی از دیدگاه فلسفی و روانی»، چ ۴، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، تهران، ۱۳۸۵ ش.
۱۱. حیدری، عزیز الله، «موسیقی»، چ ۲، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۷ ش.
۱۲. خالقی، روح الله، «نظری به موسیقی»، چ ۱، رهروان پویش، تهران، ۱۳۹۰ ش.
۱۳. دهخدا، علی اکبر، «لغت نامه دهخدا»، ج ۷، چ ۷، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۵ ش.
۱۴. شایسته، حسین، «تبیین مبانی فلسفی و کلامی موسیقی»، فصلنامه معرفت شناختی موسیقی، شماره ۵۵، ۱۳۹۱.
۱۵. شیرازی، محمد بن ابراهیم، «العرشیه»، ترجمه حسین سوزنچی، ج ۳، بی چا، تهران، سهروردی، ۱۳۸۸ ش.
۱۶. ضیائی، سامان، «ساز و آواز»، چ ۱، میعاد اندیشه، تهران، ۱۴۰۰ ش.
۱۷. طاهری، مهدی، «سلامتی و طول عمر در احکام اسلام»، چ ۲، انتشارات گل های بهشت، قم، ۱۳۸۶ ش.
۱۸. عاملی، محمد بن حسن، «وسائل الشیعه»، ج ۱۲، بی چا، آل البیت، بیروت، ۱۴۱۲ ق.

۱۹. عبداللهی خورش، حسین، «تأثیر موسیقی بر اعصاب و روان»، چ ۲، بادران، اصفهان، ۱۳۸۶ش.
۲۰. فیض مشکینی، علی اکبر، «نصائح»، ترجمه آیت الله احمد جنتی، چ ۱۸، دفتر نشر الهادی، تهران، ۱۳۷۸ش.
۲۱. کلینی، محمدبن یعقوب، «کافی»، ج ۶، چ ۱، نشر مؤسسه انصاریان، قم، ۱۳۸۴ش.
۲۲. کمال پور، تراب، «تئوری موسیقی»، چ ۲، انتشارات چشمه، تهران، ۱۳۹۰ش.
۲۳. مجلسی، محمدباقر، «بحار الانوار»، ج ۷۹، چ ۵، دار الاحیاء للتراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۲۴. محمدی گیلانی، محمد، «درس های اخلاق اسلامی»، چ ۱، نشر سایه، قم، ۱۳۷۴ش.
۲۵. مشکوه، حمید، «تأملی در فقه موسیقی»، چ ۱، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، تهران، ۱۳۸۳ش.
۲۶. مصباح، مجتبی، «بنیاد خانواده»، چ ۳، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۹۴ش.
۲۷. موسوی خمینی، روح الله، «استفتائات امام خمینی»، ج ۲، چ ۱، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۶۹ش.
۲۸. _____، «صحیفه امام»، ج ۲۱، چ ۲، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۸۹ش.